



اچ جی ولز  
نویسنده کتاب جنگ دنیاها

گنجاندن این نام‌ها و مکان‌های آشنا باعث شد حتی داستان حمله مریخی‌ها باورپذیرتر هم بشود. اما خیلی واقعی به نظر می‌رسد! اگرچه ولز در ابتدای برنامه‌اش اعلام کرد این نمایش بر اساس یک رمان علمی تخیلی نوشته شده است اما تنها افرادی که از ابتدا گوش می‌دادند ممکن بود این جملات را شنیده باشند. برای هرکسی که کمی دیرتر رادیو را روشن می‌کرد، این برنامه یک نمایش جالب به نظر نمی‌رسید! برنامه ولز با یک اجرای ارکستر موسیقی در استودیو شروع می‌شد که بازیگرانی که نقش خبرنگار را اجرا می‌کردند با قطع پخش موسیقی گزارش‌های خبری مهم و البته ساختگی خود را ارائه می‌کردند. اولین گزارش‌ها تورهای عجیبی را در سیاره مریخ توصیف کردند. بعد، ظاهراً یک شهاب سنگ در نیوجرسی سقوط می‌کرد. پس از وقفه‌های زیاد، سرانجام یکی از خبرنگاران اعلام می‌کند که مریخی‌ها حمله کرده‌اند. این ترفند کاملاً جواب داد، زیرا داستان‌های خبری واقعی اغلب به همین شکل بازگو می‌شوند. شتونندگان ابتدا کنجکاو و سپس نگران و مضطرب شدند. بازیگران تئاتر مرکوری بسیار با استعداد بودند. یکی از بازیگران از گزارش‌های رادیویی مربوط به سقوط کشتی هوایی واقعی هندنبورگ که اخیراً اتفاق افتاده بود استفاده کرد تا نحوه اعلام ورود جعلی مریخی را بازسازی کند. نابغه جلوه‌های ویژه،

اما صبر کنید: آیا شتونندگان واقعا فکر کردند که مریخی‌ها حمله کرده‌اند؟ باید به گذشته برگردیم، خیلی قبل از آن شب، تا بفهمیم واقعا چه اتفاقی افتاده است.

### یک تهاجم آغاز شد!

در حدود سال ۱۸۷۰، ستاره‌شناس ایتالیایی، جیووانی شیاپارلی، مریخ را با تلسکوپ خود رصد کرد و متوجه خطوط تاریکی در سطح سیاره شد. او این خطوط را کانالی نامید که در زبان ایتالیایی به معنی آبراه طبیعی است. اما این کلمه به اشتباه به انگلیسی به عنوان چنل ترجمه شد. شکل نوشتن این دو کلمه در انگلیسی نزدیک به هم است (canal/channel). چنل در انگلیسی به معنی آبراه ساخته انسان است. ستاره‌شناس آمریکایی پرسیوال لوول بر اساس همین موضوع گفت که مریخ ممکن است محل زندگی یک تمدن پیشرفته باشد. این ایده به قدری محبوب شد که نویسنده بریتانیایی اچ.جی. ولز داستانی درباره حمله مریخی‌های جنگجو به انگلستان نوشت. او رمانش را که در سال ۱۸۹۸ منتشر شد، جنگ جهانی نامید.

### آنها در حیات خلوت شما هستند؟

سال قبل از پخش آن برنامه تاریخی، اورسن ولز بازیگر و کارگردان ۲۲ ساله رادیو و جان هاوسمن بازیگر و تهیه‌کننده، تئاتر مرکوری را در شهر نیویورک تأسیس کردند. آنها تصمیم گرفتند نمایشنامه، فیلم سینمایی و برنامه‌های رادیویی بسازند. زمانی که اورسون ولز (رابطه فامیلی با اچ.جی. ولز ندارد) تصمیم گرفت که جنگ دنیاها را برای برنامه رادیویی خود اقتباس کند، می‌خواست شتوندگانش احساس کنند که داستان واقعا در اطراف آنها اتفاق می‌افتد. بنابراین، او از نویسندگان خواست که تهاجم را از انگلستان به ایالات متحده منتقل کنند. آنها یک شهر کوچک واقعی به نام گروورز میل، نیوجرسی را برای محلی که ظاهراً بیگانگان در آن فرود می‌آمدند، انتخاب کردند. سپس آنها توصیف کردند که مهاجمان مکان‌های دیدنی معروفی مانند میدان تایمز نیویورک را که شتوندگان مطمئناً می‌شناختند، ویران کرده‌اند. اسامی مقامات واقعی کشور و امدادگران اورژانس نیز به داستان اضافه شدند.